

رویکرد سیاسی و اقتصادی اتحادیه اروپا در قبال چین و تأثیر آن بر منافع ملی جمهوری اسلامی ایران

عارف ضرغامی^۱، *مهدی جاودانی مقدم^۲، داود کیانی^۳

۱. دانشجوی دکتری روابط بین الملل، دانشکده حقوق، الهیات و علوم سیاسی، واحد علوم و تحقیقات، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران.
۲. دانشیار گروه روابط بین الملل، دانشگاه امام صادق (ع)، تهران، ایران.
۳. استاد گروه روابط بین الملل، واحد علوم و تحقیقات، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران.

اطلاعات مقاله

تاریخ دریافت: ۱۷ آبان ۱۴۰۳
تاریخ پذیرش: ۱۹ بهمن ۱۴۰۳
تاریخ انتشار: ۲۰ اسفند ۱۴۰۳

چکیده

در دهه‌های اخیر، چین به‌عنوان یکی از بزرگ‌ترین قدرت‌های اقتصادی و سیاسی جهان شناخته شده و نقش خود را در نظام بین‌الملل به‌طور قابل‌توجهی تقویت کرده است. این روند نه‌تنها در روابط جهانی تأثیر گذاشته، بلکه به‌ویژه برای اتحادیه اروپا، چالش‌ها و فرصت‌های جدیدی را ایجاد کرده است. اتحادیه اروپا، به‌عنوان یک نهاد چندملیتی با منافع اقتصادی و سیاسی گسترده، به‌دقت در حال مدیریت روابط خود با چین است تا ضمن بهره‌مندی از مزایای اقتصادی، نگرانی‌های مربوط به مسائل حقوق بشر، امنیت و اثرات ژئوپلیتیکی را نیز مدنظر قرار دهد. از سوی دیگر، جمهوری اسلامی ایران به‌عنوان کشوری که در موقعیت جغرافیایی استراتژیکی واقع شده و دارای منابع طبیعی غنی است، به روابط با چین توجه ویژه‌ای دارد. ایران در تلاش است تا از این روابط برای مقابله با تحریم‌های بین‌المللی و بهبود وضعیت اقتصادی خود بهره‌برداری کند. با این حال، تغییرات در سیاست‌های اتحادیه اروپا و رویکردهای چین می‌تواند تأثیرات عمیقی در آینده روابط ایران با این دو بازیگر مهم داشته باشد. این مقاله رویکرد سیاسی و اقتصادی اتحادیه اروپا در قبال چین و تأثیر آن در جمهوری اسلامی ایران را بررسی کرده است. از یک‌سو، تحلیل استراتژی‌های کلیدی اتحادیه اروپا در تعامل با چین و از سوی دیگر، بررسی تأثیر این رویکردها در سیاست‌های اقتصادی و خارجی ایران، مباحث اصلی این تحقیق را تشکیل می‌دهند. هدف این پژوهش، ارائه یک درک جامع از تعاملات پیچیده بین این بازیگران و تحلیل پیامدهای آن برای جمهوری اسلامی ایران است.

کلیدواژه‌ها:

ایران، اتحادیه اروپا، چین، سیاسی، اقتصادی.

* نویسنده مسئول:

دکتر مهدی جاودانی مقدم

نشانی: دانشیار گروه روابط بین الملل، دانشگاه امام صادق (ع)، تهران، ایران.

پست الکترونیک:

javdani2020@gmail.com

استناد به این مقاله:

ضرغامی، عارف و جاودانی مقدم، مهدی و کیانی، داود (۱۴۰۳). رویکرد سیاسی و اقتصادی اتحادیه اروپا در قبال چین و تأثیر آن در جمهوری اسلامی ایران. مطالعات بنیادین و کاربردی جهان اسلام، (۴)۶، ۱۳۷-۱۱۳.

۱. مقدمه

چین به‌رغم تفاوت در بسیاری از زمینه‌ها از جمله نقش پررنگ دولت در اقتصاد و موضوع حقوق بشر، یک شریک مهم استراتژیک برای اتحادیه اروپا به حساب می‌آید. همکاری و مشارکت متقابل در زمینه‌های مختلف از سرمایه‌گذاری و زیرساخت‌ها گرفته تا سیاست و امنیت سایبری می‌تواند برای هر دو طرف کارآمد باشد. مسائلی که در قرن ۲۱ زمینه‌ساز نزدیکی چین و اتحادیه اروپا، به‌عنوان بازیگران مهم بین‌المللی شده، رو به افزایش است و همکاری و مشارکت این دو را تبدیل به یک ضرورت کرده است؛ ضرورتی که طرفین آن در بیستمین اجلاس سران در جولای ۲۰۱۸ به‌وضوح بر آن تاکید کردند. افزایش ناامنی و تنش‌ها در سطح بین‌المللی، حمایت‌گرایی، تغییرات زیست‌محیطی، تروریسم و بسیاری از موضوعات دیگر منجر به تعهد مشترک طرفین به حفظ سیستم چندجانبه‌گرایی مبتنی بر قوانین بین‌المللی در مقابل سیاست حمایت‌گرایی به‌ویژه از سوی آمریکا شده است. با وجود زمینه‌های بسیار برای همکاری، اتحادیه اروپا به‌خصوص در زمینه تجارت و سرمایه‌گذاری همچنان نگرانی‌های خود را از چین دارد. مواردی چون دسترسی سخت به بازار چین، امنیت سرمایه‌گذاری و بوروکراسی گسترده چین برای اروپا بحث‌برانگیز است. از سویی، شی جین‌پینگ، رئیس‌جمهور چین، با ایده «جوان‌سازی چین» به‌دنبال اصلاحات اقتصادی و اجتماعی مبتنی بر اقتصاد بازار و رشد تکنولوژی محور است. این موضوع در قالب طرح کلان چین موسوم به ۲۰۲۵ با هدف دستیابی به خودکفایی و جایگزینی تولیدات چینی به‌جای واردات است. در واقع، چین به این جمع‌بندی رسیده که به‌عنوان یک قدرت نوظهور و بازیگر مهم بین‌المللی در کنار آمریکا و اتحادیه اروپا، ملزم به پایبندی به قوانین بین‌المللی و افزایش مسئولیت‌پذیری در سطح جهانی است. در همین راستا، مشارکت استراتژیک چین و اتحادیه اروپا در سال ۲۰۰۳ پایه‌گذاری شد و بیستمین نشست در جولای ۲۰۱۸ در کنار امضای سند چین- اتحادیه اروپا ۲۰۲۰ نشان‌گر اوج تعهد طرفین به همکاری در موضوعات جهانی است.

۲. پیشینه پژوهش

دیوید شامبو^۲ در کتاب «اتحادیه اروپا و چین: یک مشارکت استراتژیک»^۳ روابط میان اتحادیه اروپا و چین را تحلیل و ابعاد مختلف این روابط از جمله اقتصادی، سیاسی و امنیتی را بررسی کرده است.

1. China2020-EU
2. David Shambaugh
3. The European Union and China: A Strategic Partnership

شامبو به دقت به همکاری‌های دو طرف در زمینه‌های تجاری، سرمایه‌گذاری و پروژه‌های مشترک اشاره می‌کند و همچنین چالش‌هایی که ممکن است بر سر راه این روابط قرار گیرد، مانند مسائل حقوق بشر و رقابت‌های ژئوپلیتیکی را بررسی می‌کند. یکی از جنبه‌های کلیدی این اثر، تأثیر این روابط در کشورهای ثالث به‌ویژه جمهوری اسلامی ایران است. نویسنده تحلیل می‌کند که چگونه سیاست‌های اتحادیه اروپا در قبال چین می‌تواند در تعاملات ایران با هر دو طرف تأثیر بگذارد. این کتاب با تأکید بر اهمیت دیپلماسی چندجانبه، به ایران توصیه می‌کند که باید مواضع خود را در این فضا به دقت مدیریت کند تا از فرصت‌های اقتصادی و سیاسی به‌وجودآمده بهره‌برداری کند.

همچنین فردیناند آندریاس و آلینا اینوا^۴ در مقاله‌ای با عنوان «ابتکار کمربند و جاده چین: مدلی جدید برای روابط بین‌الملل؟»^۵ ابتکار کمربند و جاده چین را بررسی کرده و تأثیرات آن در ساختارهای سیاسی و اقتصادی جهانی از جمله روابط میان اتحادیه اروپا و چین را تحلیل کرده‌اند. نویسندگان تأثیر این ابتکار در کشورهای در حال توسعه و همچنین در کشورهای مانند ایران را که در مسیر این پروژه قرار دارند، بررسی کرده‌اند. این اثر به‌ویژه روی چالش‌ها و فرصت‌هایی که کمربند و جاده برای ایران به وجود می‌آورد، تمرکز دارد. به علاوه، نویسندگان دیدگاه‌های اتحادیه اروپا در قبال این ابتکار را تحلیل کرده و نشان می‌دهند که چگونه می‌توان از این پروژه برای تقویت روابط اقتصادی و سیاسی با چین بهره‌برداری کرد.

«بررسی تأثیرات اقتصادی و سیاسی اتحادیه اروپا در جمهوری اسلامی ایران» مقاله حمیدرضا آذری است که روابط ایران با اتحادیه اروپا و تأثیر سیاست‌های این اتحادیه در اقتصاد و سیاست داخلی ایران را تحلیل کرده است. نویسنده با استفاده از داده‌های آماری و تحلیل‌های کیفی، چالش‌ها و فرصت‌هایی را که روابط ایران با اتحادیه اروپا و چین ایجاد می‌کند، بررسی کرده است. این اثر به خصوص روی ابعاد اقتصادی مانند صادرات، واردات و سرمایه‌گذاری‌های مشترک تأکید دارد و نشان می‌دهد که چگونه ایران می‌تواند از روابط خود با اتحادیه اروپا و چین بهره‌برداری کند. آذری همچنین به چالش‌های سیاسی ناشی از رویکردهای اتحادیه اروپا در قبال مسائل هسته‌ای و حقوق بشر در ایران اشاره می‌کند و پیشنهادهایی برای بهبود این روابط ارائه می‌دهد.

4. Ferdinand Andreas و Alina Inva

5. China's Belt and Road Initiative: A New Model for International Relations?

۲-۱. رویکرد سیاسی اتحادیه اروپا در قبال چین

در روابط اتحادیه اروپا و چین، مسائل سیاسی متعددی مانند تحریم تسلیحاتی، وضعیت تایوان و حقوق بشر نقش آفرینی می‌کنند. باین حال، به دلیل روابط اقتصادی گسترده، این مسائل به طور جدی دو طرف را تحت تاثیر قرار نمی‌دهد. مقامات چین نیز سعی کرده‌اند از این موضوعات به عنوان اهرمی برای اخذ امتیازات اقتصادی و سیاسی استفاده کنند. (Hosseini, 2012: 48) از زمان تصویب مشارکت راهبردی، روابط سیاسی و امنیتی بیشتر معطوف به منافع مشترک در خاور میانه و مقابله با گسترش تسلیحات جنگی بوده است. چین به عنوان شریکی راهبردی در زمینه مسائل هسته‌ای ایران و کره شمالی و همکاری‌های چندجانبه در جنگ علیه تروریسم و مناقشه اسرائیل و فلسطین مورد توجه قرار دارد. گزارش سالانه مشارکت ۲۰۲۰، بر اهمیت سیاست خارجی مستقل و نقش چندجانبه‌گرایی برای اتحادیه اروپا تأکید دارد. (Sabbaghian, 2022: 53) نگرانی‌های اروپا درباره حقوق بشر در چین، یکی از جدی‌ترین عوامل واگرایی بین دو طرف است. این اختلافات به تفاوت‌های فرهنگی، تاریخی و سیاسی آنها برمی‌گردد. چینی‌ها به جمع‌گرایی و منافع کل‌نگرانه دولت توجه دارند، در حالی که اروپایی‌ها بر فردگرایی و حقوق فردی تأکید می‌کنند. همچنین چین جهان‌شمولی حقوق بشر را رد کرده و معتقد است که توسعه حقوق بشر باید متناسب با فرهنگ و تاریخ هر جامعه باشد. برعکس، اروپا حقوق بشر را جهانی و قابل تعمیم می‌داند. (Hosseini, 2012: 47) در سال ۲۰۱۷، اتحادیه اروپا بارها بر نگرانی‌های خود درباره وضعیت حقوق بشر در چین تأکید کرد و در سال ۲۰۱۸ بر جهان‌شمولی و وابستگی حقوق بشر تأکید شد. قطعنامه سپتامبر ۲۰۱۸، خواستار "سیاست بلندپروازانه و شفاف" در قبال چین بود و بر نگرانی‌ها درباره سرمایه‌گذاری چین در زیرساخت‌های استراتژیک اروپا تأکید کرد. (Verhulst, 2021: 45) با وجود اختلافات داخلی، اتحادیه اروپا موفق به تنظیم یک استراتژی موثر در قبال چین شده که به ثبات روابط کمک کرده است. این همکاری‌ها در حوزه‌های مختلف گسترش یافته و اسناد و موافقت‌نامه‌های متعددی به امضا رسیده است. همچنین اتحادیه اروپا در بسیاری از سازمان‌های بین‌المللی با چین همکاری می‌کند. نگرانی اتحادیه اروپا از چالش‌های چین در قبال نظم بین‌المللی لیبرال در بیانیه مشترک ۲۰۱۹ به وضوح بیان شده است. این بیانیه چین را به عنوان یک قدرت بزرگ که دیگر نمی‌تواند به عنوان یک کشور در حال توسعه تلقی شود، معرفی می‌کند و تأکید دارد که این کشور باید از ادعای شرایط تجاری ویژه خود دست بردارد. این در حالی است که چین "رقابت سیستمی" را رد کرده و به عنوان یک شریک استراتژیک باقی می‌ماند. دلایل تنش‌ها در دو حوزه اقتصادی و غیراقتصادی قابل دسته‌بندی هستند که شامل مسائل

تجاری و حقوق بشری می‌شود. اتحادیه اروپا در موقعیتی دشوار قرار دارد: نمی‌تواند روابط خود را کاملاً قطع کند، اما نمی‌تواند از نقض حقوق بشر حمایت کند به همین دلیل، هر کشور اروپایی رفتار متفاوتی با چین دارد. (Musa, 2022: 21-22)

جدول ۲. رویکرد سیاسی اتحادیه اروپا در قبال چین به تفکیک مناطق مختلف

| مناطق | رویکرد سیاسی اتحادیه اروپا |
|-------------------------|--|
| آسیا-اقیانوسیه | تلاش برای ایجاد توازن قدرت در برابر نفوذ چین، حمایت از همکاری‌های منطقه‌ای و چندجانبه برای مهار چین، تقویت روابط با متحدان کلیدی مانند ژاپن، کره جنوبی و استرالیا |
| آفریقا | نگرانی از افزایش نفوذ چین در آفریقا و رقابت با آن، تلاش برای حفظ و تقویت روابط سیاسی و اقتصادی با کشورهای آفریقایی، تأکید بر موضوعاتی مانند توسعه پایدار، حکمرانی خوب و حقوق بشر |
| اروپای شرقی | کاهش نفوذ چین در کشورهای عضو اتحادیه اروپا در منطقه، تلاش برای جلوگیری از افزایش سرمایه‌گذاری‌های چینی در زیرساخت‌ها، حمایت از همکاری‌های منطقه‌ای برای کاهش وابستگی به چین |
| آمریکای لاتین | تلاش برای جلوگیری از افزایش نفوذ چین در منطقه، حمایت از همکاری‌های چندجانبه برای مهار نفوذ چین، انتقاد از سیاست‌های چین در زمینه حقوق بشر و حاکمیت قانون |
| خاورمیانه و شمال آفریقا | تلاش برای حفظ روابط سنتی با کشورهای منطقه در برابر نفوذ چین، نگرانی از افزایش نفوذ چین در منطقه به‌ویژه از طریق سرمایه‌گذاری‌ها، تأکید بر موضوعات امنیتی و ثبات منطقه‌ای |

۲-۲. رویکرد اقتصادی اتحادیه اروپا در قبال چین

اتحادیه اروپا بزرگ‌ترین مقصد صادرات چین و دومین تأمین‌کننده کالا در این کشور پس از ایالات متحده است بنابراین مسائل اقتصادی و تجاری مهم‌ترین بخش روابط دو طرف را تشکیل می‌دهد. (Khaluzadeh, 2009:484) هرچند موضوعات امنیتی نیز مطرح است، اما این مسائل تحت تأثیر روابط اقتصادی قرار دارند. اتحادیه اروپا ظهور چین را به‌عنوان یک فرصت می‌بیند و در تلاش است این کشور را به‌طور مسالمت‌آمیز در نظام بین‌الملل ادغام کند. این شامل حمایت از گفت‌وگوهای سیاسی و انتقال چین به یک بازار باز و متکی بر حقوق بشر است. روابط اتحادیه اروپا و چین از اواخر دهه ۱۹۹۰ به‌طور پویا در حال توسعه بوده و به یک "مشارکت استراتژیک جامع" تبدیل شده است. این مشارکت علاوه بر بعد اقتصادی، شامل جنبه‌های اجتماعی، زیست‌محیطی، آموزشی و نوآوری نیز می‌شود. روابط دو طرف نقاط قوت و وضعی داشته، برای مثال، دوره ۱۹۹۵-۲۰۰۲ به‌عنوان "دوره توسعه سریع" شناخته می‌شود، در حالی که سال‌های ۲۰۰۵-۲۰۰۹ شاهد سردی روابط به دلیل اختلافات سیاسی بود. در حال حاضر، روابط اقتصادی همچنان اهمیت بالایی دارد، اما اختلافات فزاینده در تجارت و حقوق بشر چالش‌های جدی ایجاد کرده است. اورسولا فون

درلاین، رئیس کمیسیون اتحادیه اروپا، بر لزوم "ریسک‌زدایی" از روابط تأکید کرده است. همچنین رئیس جمهور چین، شی جین‌پینگ، بر تقویت درک متقابل تأکید دارد. (Huynh, 2023) چارلز میشل، رئیس شورای اروپا، نیز بر اهمیت "تعادل مجدد روابط" تأکید کرده و خواستار ایجاد درک بهتر میان دو طرف شده است. (Pereira, 2023: 3) در اواسط دهه ۲۰۱۰، وابستگی اقتصادی دو طرف به شدت افزایش یافته است. چین بین سال‌های ۲۰۰۵ تا ۲۰۱۶ بیش از ۲۰۰ میلیارد دلار در اروپا سرمایه‌گذاری کرده است که در مقایسه با ۱۳۴ میلیارد دلار در ایالات متحده قرار دارد. این روابط تجاری به میلیون‌ها شغل در اروپا و چین وابسته است. سه سؤال کلیدی در این زمینه وجود دارد:

اتحادیه اروپا و چین چگونه تنش‌های اقتصادی را مدیریت خواهند کرد؟

تأثیر فعالیت‌های اقتصادی چین در اروپا چیست؟

نقش چین در حاکمیت مالی جهانی چگونه خواهد بود؟

چین با تلاش برای اصلاح مؤسسات جهانی مانند صندوق بین‌المللی پول و بانک جهانی، فشار بیشتری به کشورهای اروپایی وارد می‌کند تا اختیارات بیشتری در نهادهایی مانند صندوق بین‌المللی پول واگذار کنند. (Christiansen, 2017: 124-125) این موضوع به‌ویژه در زمینه کمک‌های مالی به منطقه یورو حائز اهمیت است.

۲-۳. همکاری چین و اتحادیه اروپا براساس دستور کار ۲۰۲۰

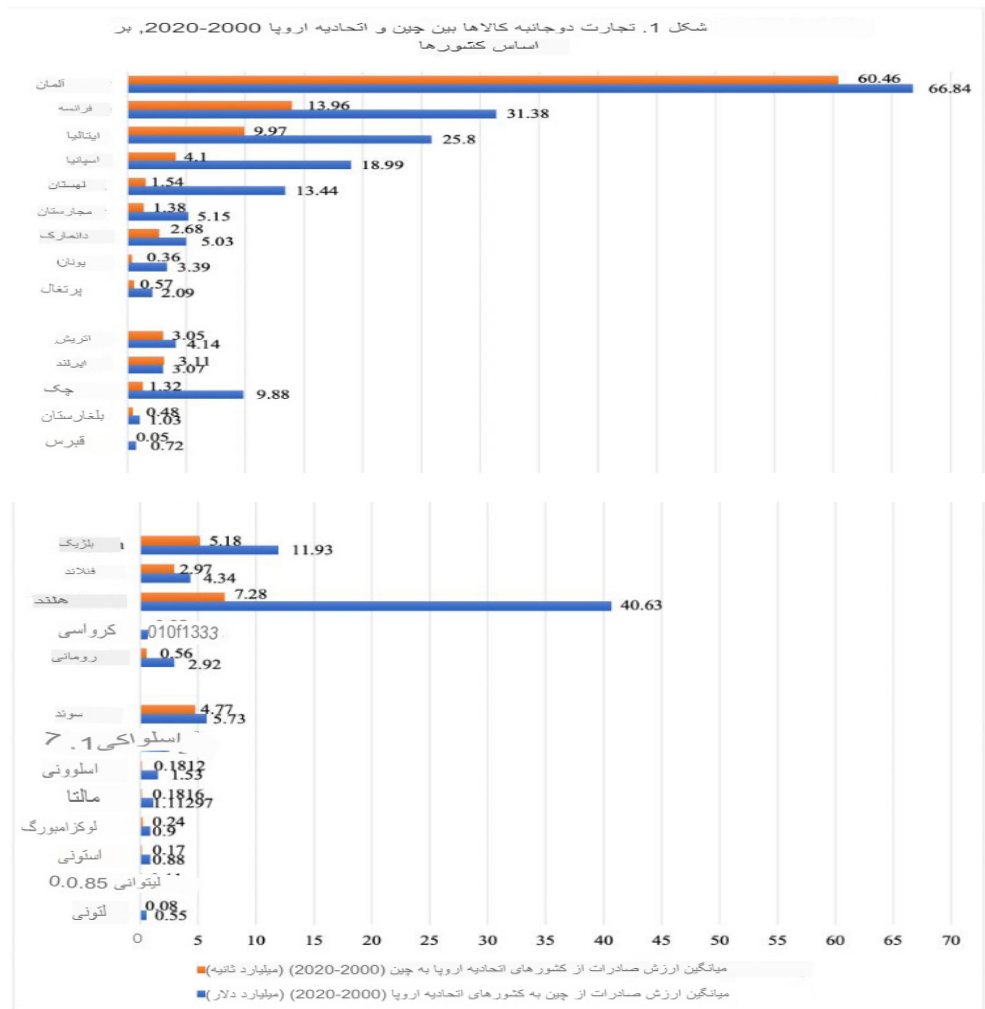
پس از اجلاس سران چین و اتحادیه اروپا در جولای ۲۰۱۸، دو طرف بیانیه مشترکی صادر کردند که بر تقویت مشارکت و تعهدات اقتصادی تأکید داشت. این بیانیه به‌ویژه در زمینه حمایت از اقتصاد باز و توافق‌نامه اقلیمی پاریس و همچنین برجام در برابر رویکرد حمایت‌گرایانه آمریکا اهمیت دارد. اتحادیه اروپا بزرگ‌ترین شریک تجاری چین است و در سال ۲۰۱۷، حجم صادرات چین به ۱۹۸ میلیارد یورو و واردات از اتحادیه اروپا به ۳۷۵ میلیارد یورو رسید که همچنان در حال افزایش است. (Abolfathi, 2022: 22)

۲-۴. تجارت دوجانبه کالا

از زمان عضویت چین در سازمان تجارت جهانی، صادرات این کشور به اتحادیه اروپا به شدت افزایش یافته است. چین در سال ۲۰۲۱ به بزرگ‌ترین شریک تجاری اتحادیه اروپا تبدیل شد و این

روند در سال ۲۰۲۲ نیز ادامه یافت. نبود تعادل تجاری بین چین و اتحادیه اروپا سؤالاتی را درباره منافع متقابل ایجاد کرده است. اتحادیه اروپا در تلاش است تا تعامل بیشتری با چین برقرار کند، در حالی که چین نیز به دنبال نتیجه‌ای "برد-برد" است.

نمودار ۱ به وضوح تفاوت در حجم تجارت دوجانبه کالا را بین کشورهایایی که مشارکت استراتژیک جامع با چین ایجاد کرده‌اند نشان می‌دهد.



حجم تجارت دوجانبه بین چین و کشورهای عضو اتحادیه اروپا در ۲۱ سال گذشته افزایش یافته، اما نوسان‌ها و نبود تعادل تجاری همچنان وجود دارد. صادرات اکثر کشورهای اتحادیه اروپا به چین، به جز آلمان و ایرلند، از واردات عقب مانده است. آلمان و ایرلند در سال‌های اخیر تعادل بیشتری در تجارت با چین برقرار کرده‌اند. ایرلند، به‌ویژه با صادرات مدارهای مجتمع، نقش مهمی در تجارت با چین ایفا کرده است. در حالی که چین با اکثر کشورهای اتحادیه اروپا مازاد تجاری دارد، کشورهای گروه ۱ (مانند فرانسه و ایتالیا) بیشترین مازاد را تجربه می‌کنند. هلند نیز به دلیل «اثر روتردام» و انتقال محصولات از چین به سایر نقاط اروپا با چین کسری انباشته دارد. (COSTA, 2023: 17-19)

| موضوع | توضیحات |
|-------------------------|---|
| تجارت و سرمایه‌گذاری | چین بزرگ‌ترین شریک تجاری اتحادیه اروپا و اتحادیه اروپا دومین شریک تجاری چین است. حجم تجارت کالا و خدمات بین اتحادیه اروپا و چین در سال ۲۰۲۳ حدود ۸۰۰ میلیارد یورو بوده است. اتحادیه اروپا نگران افزایش کسری تجاری خود با چین است و به دنبال کاهش این کسری است. سرمایه‌گذاری‌های چین در اتحادیه اروپا در سال‌های اخیر افزایش یافته و به حدود ۱۷۰ میلیارد یورو رسیده است. اتحادیه اروپا به دنبال ایجاد محدودیت‌های بیشتر بر سرمایه‌گذاری‌های چینی در بخش‌های استراتژیک است. |
| همکاری‌های فناورانه | اتحادیه اروپا به دنبال حفظ پیشرفت‌های فناورانه خود در برابر چین است، این اتحادیه نگران افزایش وابستگی به چین در حوزه‌های فناورانه استراتژیک مانند نیمه‌هادی‌ها و هوش مصنوعی است، تلاش برای تقویت همکاری‌های فناورانه با سایر شرکای استراتژیک مانند آمریکا و ژاپن |
| چالش‌های سیاسی و امنیتی | اتحادیه اروپا نگران افزایش نفوذ سیاسی و امنیتی چین در سطح جهانی است، وجود اختلافات ایدئولوژیک و ارزشی بین اتحادیه اروپا و چین، نگرانی از استفاده ابزاری چین از روابط اقتصادی برای اعمال فشار سیاسی |

۲-۵. چالش‌ها و فرصت‌های در روابط اروپا و چین

۲-۵-۱. جنگ اوکراین

روابط اتحادیه اروپا و چین در سال ۲۰۲۲ و با حمله روسیه به اوکراین وارد مرحله‌ای جدید و دشوار شد. پیش از این حمله، شی جین‌پینگ با ولادیمیر پوتین پیمان همکاری «بدون محدودیت» امضا کرد. چین به‌طور مستمر از روایت روسیه درباره جنگ حمایت کرده و از صحبت با ولودیمیر زلنسکی، رئیس‌جمهور اوکراین، امتناع کرده است. موضع دوسوگرایانه چین در موضوع اوکراین روابط را تیره کرده است. همچنین موضوعاتی چون تهاجم چین به تایوان،

نقض حقوق بشر در سین کیانگ و نبود تعادل در روابط تجاری نیز بر تنش‌ها افزوده‌اند. در سال ۲۰۲۲، چین بزرگ‌ترین شریک تجاری اتحادیه اروپا بود، اما نگرانی‌ها درباره وابستگی به واردات حیاتی افزایش یافت. با کاهش محدودیت‌های کووید-۱۹ در چین، مقامات اروپایی تلاش کردند روابط را به مسیر اصلی خود بازگردانند. دولت‌های اروپایی به گفت‌وگو با چین ادامه می‌دهند و از تأثیر جدایی در اقتصاد خود نگران هستند. از سوی دیگر، چین نیز تمایل دارد از بدتر شدن روابط با اروپا جلوگیری کند. شراکت راهبردی چین با روسیه و قراردادهای محدودیت صادرات نیمه‌هادی‌ها به چین از سوی ایالات متحده، هلند و ژاپن چالش‌های بیشتری در این روابط ایجاد کرده است. در شرایط رقابت فزاینده میان آمریکا و چین، دولت‌ها به سمت تصمیم‌گیری‌های سیاستی با جمع صفر سوق می‌یابند. (Barkin, 2023: 43)

۲-۵-۲. ریسک‌زدایی اقتصادی

اروپا در بحبوحه بحث‌های شدید در مورد تغییر شکل روابط اقتصادی خود با چین است. این شامل فشار دولت‌ها برای کاهش وابستگی اقتصادی خود به چین، انگیزه شرکت‌های اروپایی برای تنوع بخشیدن به سرمایه‌گذاری‌های خود در سایر کشورهای آسیایی و ابتکارات در سطوح دولتی و شرکت‌ها برای انعطاف‌پذیرتر کردن زنجیره‌های تامین است. این تلاش‌ها در سال ۲۰۲۳ با رونمایی از قانون مواد خام حیاتی اتحادیه اروپا، استراتژی جدید آلمان برای چین و تلاش‌ها برای افزایش تولید نیمه‌هادی‌های داخلی و فناوری سبز تسریع شده‌اند. اروپا احتمالاً تحت فشار فزاینده ایالات متحده برای برداشتن گام‌های روبه‌جلوتر برای محدود کردن تعامل اقتصادی با چین در طول سال قرار خواهد گرفت. در عین حال، چین برای احیای توافق‌نامه جامع اتحادیه اروپا و چین در زمینه سرمایه‌گذاری، که از زمان تحریم‌های تلافی‌جویانه در مارس ۲۰۲۱ در انجماد عمیق قرار داشت، فشار می‌آورد. تعریف یک چشم‌انداز گسترده‌تر برای روابط اقتصادی اروپا با چین یکی از بلندترین وظایف اروپا برای سال آینده است.

۲-۵-۶. سیاست ایالات متحده

دو سال اول دولت بایدن بر بازسازی اتحادیه‌های ایالات متحده و تقویت رقابت صنعتی متمرکز بود و اکنون توجه خود را به چین معطوف کرده است؛ یکی از محدود حوزه‌های سیاستی که ظاهراً اجماع دو حزبی در واشنگتن دارد. پاسخ قوی دولت به بالون چینی که در اوایل سال ۲۰۲۳ در حریم هوایی ایالات متحده شناور شد و اتهامات عمومی آن، هفته‌ها بعد در کنفرانس

امنیتی مونیخ که چین در حال بررسی ارائه حمایت نظامی از روسیه است، اشاره به رویکرد تقابل‌آمیزتر در قبال پکن دارد که ناشی از سیاست‌های انتخاباتی است. کمیته منتخب جدید چین در مجلس نمایندگان به این لحن تندتر کمک خواهد کرد. در نتیجه، ایالات متحده به احتمال زیاد اروپا را با انتخاب‌های سیاستی با مجموع صفر در مورد چین پیشنهاد خواهد کرد.

مدتی است که تصور تغییر ژئوپلیتیک در اتحادیه اروپا رایج بوده، اما وقوع درگیری در اوکراین آن را تسریع کرده است. در پاسخ به این درگیری، اتحادیه اروپا شروع به کاهش وابستگی زیاد خود به انرژی روسیه کرد و در عوض بر توسعه روابط اقتصادی و تجاری نزدیک‌تر با ایالات متحده متمرکز شد. با این حال، به نظر می‌رسد که اتحاد فراتلانتیک از کشورهای غیرغربی فاصله گرفته است. در دولت بایدن روابط نزدیک‌تر بین اقیانوس اطلس، جبهه متحدتری را در برابر افزایش قدرت و نفوذ چین ایجاد می‌کند، اتحادیه اروپا شروع به جدا کردن فناوری خود از چین کرده است، به همان روشی که ایالات متحده انجام داده است. برای مثال، هلند تصمیم گرفته محدودیت‌های صادراتی ماشین‌های لیتوگرافی پیشرفته را تشدید کند، در حالی که آلمان قصد دارد استفاده از تجهیزات و قطعات جی ۵ هوآوی و زدتی‌ای را ممنوع کند. از منظر استراتژیک، همسویی کامل با شرکای خود، اتحادیه اروپا را در استقلال و توسعه آینده خود در مضیقه قرار می‌دهد. (China Chamber of Commerce to the EU:2023)

۲-۵-۷. روابط چین و اتحادیه اروپا، ابتکار کمربند و جاده

چین در سال ۲۰۱۰، دومین اقتصاد بزرگ جهان شد و در سال ۲۰۱۳ به بزرگ‌ترین قدرت در تجارت جهانی کالا تبدیل شد. سهم چین در رشد جهانی بسیار زیاد است و رشد اقتصادی آن به‌طور فزاینده به کشورهای خارجی و تجارت و سرمایه‌گذاری خارجی وابسته است. علاوه بر این، با روی کار آمدن اوباما و ارائه راهبرد «تعادل مجدد آسیا-اقیانوسیه»، تمرکز استراتژیک ملی ایالات متحده به تدریج به منطقه آسیا-اقیانوسیه منتقل شد و هم‌زمان کنترل خود را بر منطقه، به‌ویژه چین، تشدید کرد. محیط بین‌المللی خارجی که چین با آن روبه‌رو بود به‌طور فزاینده‌ای شدید شد. با توجه به پیشینه فوق، چین مجموعه‌ای از اقدامات دیپلماتیک را برای انطباق با تغییرات محیط بین‌المللی انجام داده است.

در میان آنها، طرح کمربند و جاده که رئیس‌جمهور شی جین‌پینگ در سال ۲۰۱۳ پیشنهاد کرد، بیشترین نماینده را دارد. ابتکار جاده در راس ابتکار همکاری ملی قرار دارد که عمدتاً شامل

"کمر بند اقتصادی راه آهن" و "جاده ابریشم دریایی در قرن بیست و یکم" است. پل اوراسیالند جدید، یکی از شش کریدور بزرگ اقتصادی کمر بند اقتصادی جاده ابریشم جدید، چین و کشورهای اروپایی را برای ارتقای همکاری اقتصادی چین و اتحادیه اروپا به هم متصل می‌کند. اولین مجمع یک کمر بند و یک جاده برای همکاری‌های بین‌المللی در سال ۲۰۱۷ برگزار شد. در مراسم افتتاحیه این مجمع، رئیس‌جمهور شی جین‌پینگ گفت که «باید کمر بند و جاده را به جاده‌ای برای رفاه بسازیم». از آن زمان، پروژه‌های همکاری تحت چهارچوب ابتکار کمر بند و جاده به سرعت افزایش یافته است و بسیاری از کشورها در طول مسیرها به نفع خود هستند بنابراین ابتکار کمر بند و جاده به عنوان بخشی از سیاست خارجی چین، نه تنها ابتکار مهمی برای رشد اقتصادی چین است، بلکه پاسخی به تغییر محیط بین‌المللی با ویژگی‌های چینی است. (Hanlin, 2022:43)

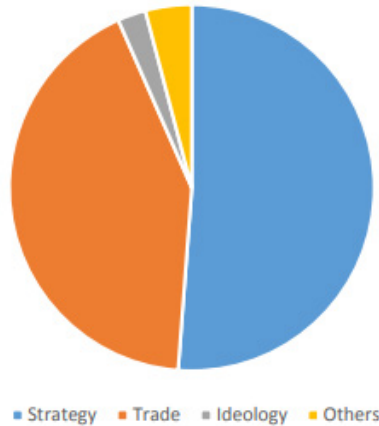
ابروژه کمر بند راه، که مقامات پکن آن را "جاده ابریشم جدید" می‌خوانند، طرح بلندپروازانه‌ای است که اجرای آن بیش از ۶۰ کشور جهان را دربر خواهد گرفت. اجرای چنین طرح بزرگی می‌تواند نفوذ چین بر اقتصاد جهانی را چند برابر کند و به نوعی تفوق این کشور بر رقبای خود در نظام اقتصادی و بین‌الملل را در پی داشته باشد. در واقع، اجرای طرح جاده ابریشم جدید به دلیل حجم زیاد سرمایه‌گذاری و تعداد زیاد بازیگران دخیل در آن می‌تواند به چین کمک کند تا نظم اقتصادی نوینی را در سطح منطقه‌ای و جهانی پایه‌گذاری کند. دلیل اصلی این مسئله آن است که اجرای این طرح نقاط مختلفی از قاره‌های آسیا، آفریقا و اروپا را به هم پیوند می‌دهد و امکان دسترسی چین به بازارهای جدید را فراهم می‌کند و دستیابی این کشور به منابع انرژی جدید برای دهه‌های آینده را تضمین خواهد کرد. نکته قابل توجه آن است که در خصوص طرح چین دیدگاه‌های مختلفی اعم از مثبت و منفی مطرح شده است. چین مدعی آن است که با مسیرهای تجاری جدید، توسعه زیرساخت‌ها در کشورهای در حال توسعه و تامین بودجه مطمئن، پروژه بزرگی را با رویکرد برد-برد پیش می‌برد. این روش به آن معناست که همه اعضا احساس کنند که منفعتی به دست آورده‌اند و کسی بازنده میدان نیست. به همین منظور بوده که چین یادداشت تفاهمی را برای هماهنگی در اجرای طرح با کشورهای حوزه اروپای مرکزی و شرقی تحت عنوان ۱۶+۱ به امضا رسانده است. هدف این همکاری در اولویت قرار گرفتن ارتقای تجارت و سرمایه‌گذاری با کشورهای اروپایی است. (Rabbani Sadr, 2021:526)

چین از نظر چشم انداز استراتژیک، اتحادیه اروپا را متفاوت از آمریکا می‌دانست. این تصور چین را متقاعد کرد که اتحادیه اروپا در مورد نظم بین‌المللی درک مشابهی با چین دارد و اتحادیه اروپا را در استراتژی ملی خود به چین نزدیک‌تر کرد. علاوه بر این، قضاوت چین در مورد تمایل اتحادیه اروپا (نه توانایی) برای همکاری با چین در مورد برخی موضوعات مانند لغو تحریم را تحت تأثیر قرار داد. اتحادیه اروپا موضعی چندجانبه داشت که تا حد زیادی با یکجانبه‌گرایی ایالات متحده در دولت جورج دبلیو بوش (جونیسور) متفاوت بود. این تفاوت با جنگ عراق آشکار شد و کشورهای اروپایی به ویژه قدرت‌های بزرگی مانند فرانسه و آلمان علناً با رویکرد یکجانبه‌گرایانه آمریکا در این جنگ مخالفت کردند، اما صدهای حمایتی در بریتانیا، اسپانیا، ایتالیا و کشورهای اروپای شرقی ابراز شد در نتیجه اروپا به گفته وزیر دفاع ایالات متحده دونالد رامسفلد به «اروپا قدیمی» مانند فرانسه و آلمان و «اروپا جدید» تقسیم شد مانند کشورهای اروپای شرقی که با آمریکا همسو بودند. این واگرایی بین کشورهای عضو در سطح اتحادیه اروپا منعکس شد و یک موضع مبهم ایجاد کرد. شورای اروپا در فوریه ۲۰۰۳ با حضور دبیرکل سازمان ملل کوفی عنان و رئیس پارلمان اروپا، پت کاکس، جلسه فوق‌العاده‌ای برای بررسی موضوع عراق برگزار کرد. در پایان این نشست، مستقیماً از اقدام نظامی آمریکا انتقاد نشد، اما موضع این کشور برای حل بحران عراق در چهارچوب سازمان ملل و از طریق همکاری چندجانبه با کشورهای عربی تکرار شد. به دلیل وجود دو طرف در این نشست، نتیجه‌گیری بیشتر شبیه سازش دو موضع بود، اما در مصاحبه با خاویر سولانا، نماینده عالی سازمان ملل در رسانه‌های چینی، وی با اظهار نظر چینی‌ها مبنی بر اینکه یکجانبه‌گرایی بیش از حد در سال ۲۰۰۳ اتفاق افتاد، موافقت کرد، از این‌رو از استقبال دیپلماسی چندجانبه خوشحال شد.

حمایت اتحادیه اروپا از چندجانبه‌گرایی و انتقاد فرانسه و آلمان از یکجانبه‌گرایی ایالات متحده توسط چین به عنوان فرصتی برای تلاش در راستای ایجاد نوعی پیشرفت در روابط استراتژیک اتحادیه اروپا و چین تلقی شده است. در سیاست دیپلماتیک چین، کشورهای اروپایی مدت‌ها به عنوان نیروهایی در نظر گرفته می‌شدند که می‌توانستند با چین متحد شوند تا با تهدیدکننده‌ترین مخالفان مقابله کنند. این استراتژی را اولین بار ژو آنلای در کنفرانس ژنو در سال ۱۹۵۴ اعمال کرد؛ زمانی که هیئت چینی متوجه مواضع مختلف در داخل بلوک غرب شد و از آنها برای بازی با بلوک غرب در برابر ایالات متحده استفاده کرد. در دهه ۱۹۷۰، "نظریه سه جهان" سیاست خارجی چین را هدایت می‌کرد، از این‌رو کشورهای اروپایی به عنوان متحدان

بالقوه برای ایجاد تعادل در قدرت اتحاد جماهیر شوروی در اوراسیا تلقی می‌شدند.

Perspectives in Studies of EU-China Relations



شکل ۲. چشم‌انداز مطالعات اتحادیه اروپا و چین (Zhang, 2019: 241-246).

در دوران پس از جنگ سرد، تعداد زیادی از ناظران چینی توسعه اتحادیه اروپا در یکپارچگی منطقه‌ای و اصل چندجانبه‌گرایی را تایید کردند. بین سال‌های ۱۹۹۲ و ۲۰۰۴، ۶۲۱ مقاله (۵۱/۲٪) صفحه‌ای وجود داشت که روابط اتحادیه اروپا و چین را مطالعه می‌کردند. ۶۲ مقاله (۴۲/۲٪)، ایدئولوژی از منظر استراتژیک تحلیل می‌کردند، در حالی که دیگران از دیدگاه تجارت (۴۲/۲٪)، ایدئولوژی (۲/۵٪) و موارد دیگر مانند همکاری در فناوری و قانون‌گذاری (۴/۱٪)، همان‌طور که در شکل ۲ نشان داده شده است، تجزیه و تحلیل شدند. این رقم نشان می‌دهد که روابط استراتژیک مهم‌ترین دیدگاه در مطالعات روابط اتحادیه اروپا و چین بوده است. همچنین زمانی که ناظران چینی تلاش کردند اتحادیه اروپا را در استراتژی بزرگ چین قرار دهند، این یکی از بزرگ‌ترین ارزش‌های اتحادیه اروپا بود. این ۶۲ مقاله به این دلیل شناسایی شدند که با استفاده از روایات «چندقطبی» یا «چندقطبی شدن» بر تأثیر اتحادیه اروپا بر نظام بین‌الملل تأکید داشتند. انتظار می‌رفت که اتحادیه اروپا پتانسیل تبدیل شدن به یک قطب مستقل برای ترویج چندقطبی و در نتیجه محدود کردن قدرت ایالات متحده را داشته باشد. بحران عراق این تصور را در ناظران چینی تقویت کرده بود که اتحادیه اروپا بازیگری متفاوت از ایالات متحده است، ۳۵ مقاله

وجود داشت که تأثیر بحران عراق در روابط اتحادیه اروپا و ایالات متحده را بررسی می‌کرد.

در داخل آنها، ۳۱ مقاله از عباراتی مانند «تضاد»، «نقض» یا حتی بدتر از آن، «شکاف» برای توصیف روابط اتحادیه اروپا و ایالات متحده در آن زمان استفاده کرده بودند. در نهایت، همه ۳۱ مقاله به یک نتیجه مشترک رسیدند که بحران عراق شکاف بین اتحادیه اروپا و ایالات متحده را در مورد درک آنها از نظم بین‌المللی افزایش داده است. علاوه بر این، ۷ مقاله نتیجه‌گیری قوی‌تری داشتند مبنی بر اینکه اتحادیه اروپا و ایالات متحده از نظر نظم بین‌المللی رقیب یکدیگر شده‌اند و اتحادیه اروپا دیگر پیرو ایالات متحده نخواهد بود، بلکه یک بازیگر مستقل است.

با وجود این، شایان ذکر است که همه دانشمندان عقیده مشابهی نداشتند، استدلال‌هایی وجود داشت که اتحادیه اروپا در بیشتر زمینه‌ها با ایالات متحده سازگار است. اختلاف در بحران عراق واقعی بود، اما حیاتی نبود بنابراین متحدان فرآتلانتیک باقی خواهند ماند و آنها به همکاری در روند بازسازی عراق ادامه خواهند داد. براساس مشاهدات عمده فوق، ناظران چینی به تمایل اتحادیه اروپا برای اتخاذ سیاست‌های مستقل اطمینان داشتند. علاوه بر این، این قضاوت که اتحادیه اروپا از نظر نظم بین‌المللی با ایالات متحده متفاوت است، به ناظران احساس صمیمیت در سطح استراتژیک داده بود. علاوه بر این، برخی از ناظران نه تنها واگرایی بین اتحادیه اروپا و ایالات متحده را تشخیص دادند، بلکه معتقد بودند که همگرایی و دانش مشترک -در مخالفت با یکجانبه‌گرایی ایالات متحده- بین چین و اتحادیه اروپا وجود دارد. در این مورد، چین باید از این واگرایی و از مزیت همگرایی برای دستیابی به دستاوردهای بیشتر در روابط دوجانبه خود استفاده کند. در نتیجه، چین معتقد بود که زمان مناسبی است که لغو تحریم تسلیحاتی را در دستور کار قرار دهد.

باین حال، آنچه ناظران چینی از اتحادیه اروپا دریافته بودند یک اعتماد اشتباه بود. درست است که اتحادیه اروپا در مورد جنگ عراق با ایالات متحده اختلاف داشت، اما اغراق‌آمیز است اگر چنین استنباط کنیم که اتحادیه اروپا به قدرتی برای محدود کردن هژمونی ایالات متحده تبدیل شود. چین وقتی چندجانبه‌گرایی را با چندقطبی اشتباه گرفت، اشتباه کرد، زیرا اتحادیه اروپا طرفدار اولی بود، اما به دومی علاقه‌ای نداشت، در واقع، همه دانشمندان چینی با این اطمینان اشتباه موافق نبودند. در مصاحبه با یک متخصص اروپایی در چین استدلال شد که این اعتماد مبتنی بر برداشت نادرست چین از اتحادیه اروپاست: چین اتحادیه اروپا را به عنوان قطبی

برای محدود کردن هژمونی ایالات متحده در ترویج جهان چندقطبی ترجیح می‌داد، اما اعتقاد بر این بود که اتحادیه اروپا و کشورهای عضو آن خود را به‌عنوان یک قطب نمی‌دانند و اتحادیه اروپا می‌خواهد چندجانبه‌گرایی را ترویج کند، نه ایجاد دوقطبی دیگر را. با این حال، در آن زمان ناظرانی که روی نظم جهانی یا استراتژی بزرگ کار می‌کردند، اتحادیه اروپا را به‌طور کلی درک می‌کردند. از این رو، ظهور یک قدرت قوی که پتانسیل برقراری تعادل بین ایالات متحده را داشت، چیزی بود که انتظار داشتند بینند و اگر این قدرت با آمریکا اختلافاتی داشته باشد بهتر از این است که دنیای چندقطبی قدرت آمریکا را مهار کند.

برای اروپایی‌ها در چین، آنها دیدگاه متفاوتی داشتند، اما صدای آنها به اندازه دیگران بلند نبود. علاوه بر این، مخالفت‌های اتحادیه اروپا با ایالات متحده که چین آن‌ها را درک کرده بود، عمدتاً به دلیل کشورهای فردی مانند فرانسه و آلمان بود. در نتیجه، چین منابع دیپلماتیک قبلی را در اختیار چنین کشورهایی قرار داده بود؛ به این امید که بتواند سیاست فروش تسلیحات اتحادیه اروپا را با تعامل با این نیروگاه‌ها تغییر دهد، اما در عین حال از نهادهای اتحادیه اروپا و سایر کشورهای کمتر قدرتمند غافل شد. تاحدودی لغو تحریم تسلیحاتی در ابتدا یک مبادله سیاسی - تجاری در سطح دوجانبه بین چین و برخی کشورهای عضو اتحادیه اروپا بود. با این حال، از آنجاکه این موضوعی بود که نیاز به رای وحدت رویه داشت، همچنان روایتی بود که همه کشورهای عضو باید تحت چهارچوب اتحادیه اروپا آن را پردازش می‌کردند.

تمرکز بر ایالت‌های خاص نشان‌دهنده دو اشتباه جدی بود؛ یکی این بود که این امر هویت هنجاری اتحادیه اروپا را نادیده گرفت. درکل، اتحادیه اروپا بدون شک ترجیحات/منافع هنجاری دارد، از سوی دیگر، تک‌تک کشورهای عضو، لزوماً منافع هنجاری را به اندازه منافع مادی مهم ارزیابی نمی‌کنند. علاوه بر این، چین با اعمال جذابیت اقتصادی خود فقط برای برخی از شرکای تجاری خود، احتمالاً تعدادی از اولویت‌های هنجاری دیگر کشورها مانند اولویت‌های کشورهای شمال اروپا را دست‌کم گرفته است. دوم این است که تلاش‌های مغرضانه چین در مورد اتحادیه اروپا و کشورهای عضو، منعکس‌کننده ناآگاهی این کشور از نهادهای اتحادیه اروپاست. روند تصویب به‌اتفاق آرا به این معنی بود که چین خود را در یک کمپین نابرابر علیه ایالات متحده قرار داده است. چین باید از تمام ۲۵ کشور عضو (در آن زمان) رضایت می‌گرفت، اما ایالات متحده فقط به یک وتو نیاز داشت. گسترش اتحادیه اروپا در سال ۲۰۰۴، کارزار چین را سخت‌تر کرد، زیرا کشورهای «اروپای جدید» که طرفدار روابط ترانس‌آتلانتیک بودند،

به اتحادیه پیوستند، این کارزار برای ایالات متحده آسان و برای چین بسیار دشوار بود. در این بخش این موضوع بررسی شده که چرا پیشنهاد لغو تحریم تسلیحاتی مطرح شد. اول، هویت نقش «شریک‌های در حال بلوغ» پویایی را برای دو طرف ایجاد کرده است تا با کار روی برخی مسائل کلیدی، روابط خود را بیشتر توسعه دهند. در این میان، لغو تحریم تسلیحاتی موردی بود که باعث تعمیق اعتماد سیاسی متقابل و گسترش دامنه همکاری‌ها می‌شد بنابراین پیشنهاد لغو تحریم یک اقدام منطقی بود. دوم، چین اتحادیه اروپا را متفاوت از ایالات متحده در پی بحران عراق درک کرد. چین معتقد بود که اتحادیه اروپا از نظر درک نظم بین‌الملل با آمریکا متفاوت است بنابراین اتحادیه اروپا از نظر استراتژیک به چین در ترویج چندجانبه‌گرایی و ایجاد چندقطبی در سیاست بین‌الملل نزدیک بود، اما این مورد تنها انتظار یک طرفه چین بود و اتحادیه اروپا این جاه‌طلبی‌ها را تایید نکرده است. علاوه بر این، چین شاپ، بر برداشت‌های متفاوت از نظم بین‌المللی، که اتحادیه اروپا مستقل از ایالات متحده و قادر به لغو تحریم‌های تسلیحاتی خواهد بود، تاکید دارد. (Zhang, 2019: 241-246)

نگرش‌های متنوع، در حال تحول و هنوز تثبیت نشده اروپایی‌ها نسبت به چین از تلقی هم‌زمان پکن به عنوان یک شریک سیاسی و رقیب اقتصادی تا تلقی آن به عنوان یک رقیب سیستمی متفاوت است و دیدگاه دوم در سال‌های اخیر برجسته‌تر شده است. چشم‌انداز استراتژیک کمیسیون اروپا در مارس ۲۰۱۹، ابتدا چین را به عنوان "هم‌زمان ... شریک همکاری و مذاکره، یک رقیب اقتصادی و یک رقیب سیستمی" تعریف کرد. گنجاندن برجسب "رقیب سیستمی" حتی در کنار دو توصیف‌گر کمتر متضاد، انحراف قابل توجهی از اظهارات قبلی اتحادیه اروپاست که رویکرد "اول کسب‌وکار" به روابط را در نظر می‌گرفت. اگرچه این توصیف سه‌گانه موضع رسمی اتحادیه اروپاست، با توجه به بسیاری از تحولات چالش‌برانگیز در روابط اتحادیه اروپا و چین در سال‌های اخیر، اتحادیه اروپا اذعان می‌کند که عنصر "رقیب سیستمی" سیاست‌هایش را به‌طور فزاینده‌ای در این چهارچوب اطلاع‌رسانی کرده است و این اتحادیه ممکن است حتی در این موضع سیاست بازنگری کند. در حالی که اتحادیه اروپا به عنوان یک نهاد به نظر می‌رسد که دیدگاه‌های خود را سخت‌تر می‌کند، بسیاری از بزرگ‌ترین اقتصادهای اروپا نگرش مطلوب‌تری دارند. نگاه سختگیرانه اروپا به چین تا حدی با رویکرد ارزشی فزاینده به روابط و همچنین افزایش تنش ناشی از تشدید تحریم‌های تلافی‌جویانه همراه است.

6. Chinahop

در مارس ۲۰۲۱، اتحادیه اروپا چهار مقام چینی و یک نهاد چینی را که در بازداشت دسته جمعی اوغورها در سین کیانگ دست داشتند، تحریم کرد. چین با تحریم‌های متقابلی که پنج عضو پارلمان اروپا، کمیته سیاسی و امنیتی شورای اروپا و تعدادی از اعضای پارلمان، اتاق‌های فکر و دانشگاهیان عضو اتحادیه اروپا را هدف قرار داد، مقابله کرد. در پاسخ، پارلمان اروپا به توقف توافق نامه پیشنهادی با چین رای داد که سرمایه‌گذاری و تجارت دوجانبه را با رسیدگی به تعدادی از نگرانی‌های اروپایی در رابطه با تعامل اقتصادی با چین باز می‌کند؛ از جمله باز کردن حوزه‌های اقتصاد چین برای سرمایه‌گذاری اروپایی، ممنوعیت تئوری انتقال اجباری فناوری، الزام شفاف‌سازی در یارانه‌ها و الزام شرکت‌های دولتی به نداشتن تبعیض علیه شرکت‌های خارجی در خرید و فروش. توافق نامه جامع سرمایه‌گذاری (CAI) از سال ۲۰۱۴ در حال مذاکره بود و در حالی که یک توافق اولیه در دسامبر ۲۰۲۰ حاصل شد، قبل از تصویب مسدود شد. چین از آن زمان تلاش کرده این توافق را احیا کند و پیشنهاد کرده است که پکن و بروکسل هم‌زمان تحریم‌هایی را که ادعا می‌کند باعث از بین رفتن این توافق شده‌اند، لغو کنند. باین حال، فقدان بحث در مورد CAI در سفر رئیس‌جمهور فون در لاین به پکن در آوریل ۲۰۲۳، نشانه قوی این است که احتمال احیای این توافق کم است. (Annual Report to Congress: 2023)

جدول ۳. چالش‌ها و فرصت‌های موجود در روابط اتحادیه اروپا و چین

| موضوع | فرصت‌ها | چالش‌ها |
|----------------------|--|--|
| بحران اوکراین | نقش میانجی‌گری چین برای کمک به حل بحران اوکراین، امکان افزایش همکاری‌های سیاسی و دیپلماتیک اروپا و چین در زمینه مدیریت بحران‌های بین‌المللی، فرصت برای چین برای نشان دادن تعهد خود به ثبات و صلح جهانی | موضع‌گیری چین در قبال حمله روسیه به اوکراین، احتمال افزایش تنش‌های سیاسی و اقتصادی میان اروپا و چین، نگرانی‌های اروپا از تقویت نفوذ چین در منطقه |
| تجارت و سرمایه‌گذاری | امکان تقویت همکاری‌های اقتصادی و تجاری میان اروپا و چین برای کاهش آسیب‌پذیری‌های ناشی از بحران‌های بین‌المللی، امکان افزایش سرمایه‌گذاری‌های چین در بخش‌های استراتژیک اقتصاد اروپا | نگرانی‌های اروپا از افزایش وابستگی به چین به ویژه در زمینه انرژی و مواد اولیه، احتمال تشدید محدودیت‌های تجاری و سرمایه‌گذاری میان اروپا و چین |
| همکاری فناوریانه | فرصت همکاری‌های فناوریانه اروپا و چین در زمینه‌های مشترک همچون انرژی‌های تجدیدپذیر و مدیریت بحران، امکان تبادل دانش و ایده‌های نوآورانه میان دو طرف | نگرانی‌های اروپا از انتقال فناوری‌های استراتژیک به چین به ویژه در زمینه دفاعی، احتمال محدودیت‌های بیشتر بر همکاری‌های فناوریانه اروپا و چین |

۲-۵-۸. تاثیر روابط سیاسی و اقتصادی اتحادیه اروپا و چین در منافع ملی جمهوری اسلامی ایران

ایران یکی از بازیگران مهم منطقه است که با دارا بودن ذخایر عظیم نفت و گاز و موقعیت استراتژیک ویژه‌ای که دارد، روابط گسترده‌ای با چین و اتحادیه اروپا برقرار کرده است. هرچند این روابط تحت تأثیر تحریم‌های آمریکا قرار گرفته است، اما ممکن است بازیگران دیگر حوزه وسیع منافع تعریف‌شده ایران در این منطقه را تهدید کنند. چین و اتحادیه اروپا از جمله قدرت‌های بزرگ هستند که علاوه بر داشتن مسائل امنیتی مشابه، در ارتباط با قدرت‌های رقیب ایران در منطقه غرب آسیا فرصت‌های مشترک مشابهی یافته‌اند. وجود نظام توزیع چندقطبی قدرت در این منطقه باعث شده که ائتلاف قدرت‌های رقیب ایران با اتحادیه اروپا و چین به‌عنوان تهدیدی برای منافع ملی ایران تعریف شود، در نتیجه، رقابت میان دولت‌های این منطقه شدت بیشتری بگیرد. به‌طورکلی، از دیدگاه استراتژیک، سه موضوع در مورد همکاری‌های بین‌المللی چین و اتحادیه اروپا اهمیت دارد: اولاً، این دو قدرت هیچ‌گونه رقابت امنیتی با یکدیگر ندارند. ثانیاً، پس از روی کار آمدن ترامپ و اعمال تعرفه‌ها، چین و اتحادیه اروپا به سمت همگرایی و همکاری بیشتر در نظام بین‌الملل برای اصلاح ساختار تجارت جهانی حرکت کرده‌اند و ثالثاً، چین و اتحادیه اروپا توافق‌نامه‌ای برای سرمایه‌گذاری دوجانبه امضا کرده‌اند که هدف آن حفظ ثبات سیستم تجارت جهانی است بنابراین می‌توان گفت که هیچ شکافی میان این دو قدرت فرامنطقه‌ای وجود ندارد.

در شرایط تحریم‌های گسترده آمریکا علیه ایران، به‌دلیل محدودیت‌های سرمایه‌گذاری و افزایش پیوندهای اقتصادی میان ایران و چین و همچنین ایران و اتحادیه اروپا نسبت به سایر کشورهای منطقه غرب آسیا و با توجه به اینکه هر سال بر میزان و پیچیدگی همکاری‌های رقابتی منطقه‌ای ایران با چین و اتحادیه اروپا افزوده می‌شود، عملاً وزن استراتژیک ایران در معادلات بین‌المللی، به‌ویژه در تصمیمات کلیدی این دو قدرت فرامنطقه‌ای، کاهش می‌یابد. اگرچه ایران دارای پتانسیل‌های فراوانی برای ادغام در سیستم اقتصاد جهانی است؛ به‌دلیل تحریم‌های آمریکا، این امکان نمی‌تواند به واقعیت تبدیل شود. تمرکز ایران بر تقویت توان داخلی، هرچند می‌تواند به‌عنوان استقلال مطرح و به‌عنوان یک مزیت در نظر گرفته شود، اما در عمل وقتی جهان را به‌عنوان یک مجموعه وابسته ببینیم که این وابستگی متقابل زمینه‌ساز امنیت است و ایران نتوانسته جایگاه و نقش خود را در این نظام اقتصادی جهانی تعریف کند، باید گفت که

امنیت ملی ایران به شدت در خطر قرار دارد. (Rahnejhad, 2021: 168-169)

نگاه به شرق به عنوان یک استراتژی در شرایطی که ایران تحت فشار تحریم‌های یک‌جانبه آمریکا و غرب و اروپا قرار دارد، اهمیت ویژه‌ای پیدا کرده است. این کشور با توجه به روابطش با چین و تلاش برای تقویت همکاری‌ها، سعی در جبران کمبودهای ناشی از روابط با غرب دارد. چین به عنوان یک شریک بالقوه در عرصه سیاسی و اقتصادی می‌تواند به ایران در مقابله با چالش‌های ناشی از تحریم‌های آمریکا کمک کند بنابراین روابط اتحادیه اروپا و چین می‌تواند در روابط دوجانبه ایران و چین تأثیر منفی داشته باشد. در این راستا، یکی از اهداف اصلی سیاست خارجی ایران، مقابله با سلطه‌گری ایالات متحده و اروپاست بنابراین ایران از این منظر به چین به عنوان یک شریک استراتژیک نگاه می‌کند تا در برابر فشارهای غربی و اروپایی ایستادگی کند. به طور کلی، باید توجه داشت که نگاه چین به برقراری روابط با ایران تحت تأثیر منافعش قرار دارد. سطح روابط چین با ایران تا زمانی ادامه خواهد داشت که این منافع با روابطش با کشورهای دیگر در تضاد قرار نگیرد. تجربه روابط ایران و چین در طول زمان نشان‌دهنده فشارهای مختلف بین‌المللی و منطقه‌ای است که با نوسان‌های زیادی همراه بوده است. چین می‌داند که منافعش در تقابل با ایالات متحده و دیگر کشورها ممکن است تهدید شود. از زمان انقلاب اسلامی ایران، نگرانی‌ها درباره تهدیدات امنیتی آمریکا افزایش یافته و این کشور به عنوان یک تهدید برای منافع ایران در نظر گرفته می‌شود بنابراین طبیعی است که آمریکا و حتی اروپا به عنوان بازیگران مهم در سطح بین‌المللی و منطقه‌ای در تلاش هستند تا روابط ایران با چین را تحت تأثیر قرار دهند و موانعی در این زمینه ایجاد کنند. ایجاد یک ساختار سیاسی مناسب بین ایران و چین ضروری است. روابط چین و آمریکا همواره تحت تأثیر منافع متقابل قرار دارد به همین دلیل چین نمی‌تواند کامل به آمریکا یا اروپا وابسته باشد. (Sadeghi, 2017: 65)

برای رهبران چین، گسترش روابط با اتحادیه اروپا به دو دلیل تجاری و امنیتی اهمیت زیادی دارد. این ارتباط به ویژه برای دستیابی به تکنولوژی پیشرفته غرب، که برای مدرن‌سازی چین ضروری است، حیاتی است. رشد سریع اقتصادی چین از اوایل دهه ۹۰، تأثیر زیادی در تغییر سیاست‌های غربی اروپا داشته است. این تغییرات عمدتاً ناشی از عوامل اقتصادی هستند و اروپا به دنبال تقویت موقعیت چانه‌زنی خود در برابر ایالات متحده و ژاپن در منطقه آسیا-پاسفیک است. چین در این زمینه به عنوان یک عامل کلیدی در موفقیت اروپا و ایران، که تحت

تحریم‌های اروپا و آمریکا قرار دارد، شناخته می‌شود. (Azari, 2021: 52)

اما وجود تنش‌ها در روابط ایران و آمریکا و گاهی اروپا باعث شده که چین در تعاملات خود با ایران، سیاست صبر و احتیاط را در پیش گیرد. این سیاست به‌ویژه در مواجهه با تحریم‌ها علیه ایران و مواضع چین در این زمینه اهمیت دارد. عوامل متعددی در این موقعیت وجود دارد که می‌تواند در روابط استراتژیک ایران و چین تأثیر بگذارد و ممکن است نیاز به بازنگری داشته باشد. (Sadeghi, 2017: 65)

از لحاظ روابط تجاری بین چین و ایران، در بازه زمانی ۲۰۰۵ تا ۲۰۱۹، چین در کشورهای همسایه ایران سرمایه‌گذاری‌های قابل توجهی انجام داده است. به‌طور مشخص، ۳۳/۵۶ میلیارد دلار در پاکستان، ۴۸/۳ میلیارد دلار در افغانستان، ۶/۸ میلیارد دلار در ترکمنستان، ۱/۹۲ میلیارد دلار در آذربایجان، ۱۵/۹۶ میلیارد دلار در ترکیه، ۲۳/۹۵ میلیارد دلار در عراق، ۴۱/۱۶ میلیارد دلار در عربستان سعودی و ۳۴/۷ میلیارد دلار در امارات متحده عربی سرمایه‌گذاری کرده است. در همین دوره، کل سرمایه‌گذاری چین در ایران به ۲۶/۹۲ میلیارد دلار رسیده است. Almomani, 2020: 12)) در حالی که چین به سرمایه‌گذاری‌های خود در کشورهای غرب آسیا به‌ویژه در میان رقبای منطقه‌ای ایران ادامه می‌دهد، به‌علت تحریم‌های آمریکا، در سال‌های ۲۰۱۸ و ۲۰۱۹ هیچ سرمایه‌گذاری در ایران صورت نگرفته است. در روابط اتحادیه اروپا و ایران نیز پس از نهایی شدن برجام و قبل از آغاز دوباره تحریم‌های دولت ترامپ علیه ایران، روابط تجاری ایران و اتحادیه اروپا افزایش قابل توجهی یافت، اما نگرانی از مجازات‌های ناشی از تحریم‌ها باعث کاهش این روابط شد. با این حال، براساس گزارش‌های وزارت امور خارجه، حجم تجارت ایران با اتحادیه اروپا در سال ۲۰۱۹ به بیش از ۳/۸ میلیارد دلار رسید که ۵۰۰ میلیون دلار آن مربوط به صادرات ایران به اروپا بود.

در بخش انرژی نیز وابستگی چین به واردات منابع انرژی از غرب آسیا به‌وضوح قابل مشاهده است. اتحادیه اروپا نیز به این منطقه به‌عنوان گزینه‌ای برای تنوع در منابع انرژی خود نگاه می‌کند، در حالی که روسیه به‌طور سنتی تامین‌کننده اصلی انرژی برای اتحادیه اروپا باقی مانده است. در این میان، عربستان سعودی و قطر به‌عنوان مهم‌ترین شرکای تامین نفت و گاز برای چین شناخته می‌شوند، اما ایران در این زمینه در سال‌های ۲۰۱۷ تا ۲۰۱۹ نتوانسته جایگاه قابل توجهی پیدا کند.

به صورت کلی می‌توان گفت روابط سیاسی و اقتصادی چین و اروپا تأثیرات عمیقی در منافع جمهوری اسلامی ایران داشته است. از یک سو، چین به عنوان یکی از بزرگ‌ترین شرکای تجاری ایران، نقش کلیدی در صادرات نفت و گاز کشور ایفا می‌کند. این همکاری‌ها به ویژه در دوران تحریم‌های اقتصادی غرب علیه ایران اهمیت بیشتری یافته است. چین به دلیل نیاز به منابع انرژی و مواد اولیه همواره سعی کرده روابط خود را با ایران حفظ کند و این موضوع می‌تواند به پایداری اقتصادی ایران کمک کند. در عین حال، روابط چین و اروپا نیز می‌تواند تأثیرات مستقیمی در منافع ایران داشته باشد. برای مثال، اگر چین به سمت افزایش واردات از اروپا حرکت کند، ممکن است تقاضا برای انرژی و کالاهای ایران کاهش یابد. این موضوع می‌تواند به نوبه خود در قیمت نفت و درآمدهای ایران تأثیر منفی بگذارد و اقتصاد کشور را تحت فشار قرار دهد.

همچنین در زمینه فناوری و سرمایه‌گذاری، چین به عنوان یک منبع اصلی برای انتقال فناوری و جذب سرمایه به ایران شناخته می‌شود. همکاری‌های چین با اروپا در این زمینه می‌تواند به ایران فرصتی برای توسعه زیرساخت‌ها و بهبود تکنولوژی‌های نوین ارائه دهد. با این حال، این امر به شرطی ممکن است که ایران بتواند به خوبی با این دو قدرت بزرگ تعامل و از فرصت‌ها بهره‌برداری کند. از جنبه امنیتی و سیاست خارجی، روابط چین و اروپا ممکن است به عنوان یک عامل تأثیرگذار در دیپلماسی ایران عمل کند. ایران می‌تواند از این روابط به عنوان ابزاری برای افزایش نفوذ خود در منطقه و عرصه بین‌المللی استفاده کند. با این حال، در مقابل، چالش‌هایی نیز وجود دارد. در صورتی که چین به سمت تقویت روابط خود با اروپا برود، این موضوع ممکن است فشار بیشتری به ایران وارد کند و منافع آن را تحت تأثیر قرار دهد. در نهایت، روابط سیاسی و اقتصادی چین و اروپا در منافع ایران تأثیر قابل توجهی گذاشته و به طور پیوسته نیازمند نظارت و واکنش مناسب تهران است. ایران باید استراتژی‌های خود را بر اساس تغییرات در این روابط تنظیم کند تا بتواند از منافع خود به بهترین شکل ممکن دفاع و در عین حال فرصت‌های جدیدی را شناسایی و از آنها بهره‌برداری کند.

۳. جمع‌بندی

اتحادیه اروپا در کنار حفظ روابط دیپلماتیک با چین، نگرانی‌هایی در زمینه احترام به حقوق بشر، آزادی‌های سیاسی و حاکمیت قانون در چین دارد. اتحادیه اروپا با چین در مسائل جهانی مانند

تغییرات اقلیمی، توسعه پایدار و امنیت بین‌المللی همکاری می‌کند. در برخی موارد اختلاف نظر سیاسی با چین وجود دارد مانند موضوع هنگ‌کنگ و تایوان. چین یکی از بزرگ‌ترین شرکای تجاری و اقتصادی اتحادیه اروپاست. حجم روابط تجاری و سرمایه‌گذاری بسیار بالاست. اتحادیه اروپا نگران نبود تعادل تجاری با چین و سیاست‌های محافظه‌کارانه چین در برخی حوزه‌های اقتصادی است. اتحادیه اروپا در تلاش است تا به چالش‌های ناشی از رقابت اقتصادی با چین از جمله انتقال فناوری و دسترسی به بازار چین پاسخ دهد. همچنین اتحادیه اروپا در تلاش است تا همکاری‌های اقتصادی با چین را در چهارچوب مقررات بین‌المللی سازمان تجارت جهانی پیش ببرد. در کل، رویکرد اتحادیه اروپا در قبال چین براساس همکاری در موارد مشترک و مدیریت اختلافات در حوزه‌های متفاوت سیاسی و اقتصادی استوار است.

اتحادیه اروپا و چین در مسائل جهانی مانند تغییرات اقلیمی، توسعه پایدار و حفظ صلح و ثبات بین‌المللی همکاری نزدیکی دارند. اتحادیه اروپا بارها نگرانی‌های خود در خصوص وضعیت حقوق بشر در چین را صریح اعلام کرده است، اما چین یکی از بزرگ‌ترین شرکای تجاری و سرمایه‌گذاری اتحادیه اروپاست. حجم مبادلات تجاری دو طرف بالغ بر ۷۰۰ میلیارد یورو در سال است، اما اتحادیه اروپا نگران تراز تجاری نامتوازن با چین و موانع فنی و تعرفه‌ای در برخی بخش‌های اقتصادی چین است. اتحادیه اروپا همچنین نگران انتقال فناوری به چین و محدودیت‌های دسترسی به بازار چین برای شرکت‌های اروپایی است. در این راستا، اتحادیه اروپا در تلاش است تا همکاری‌های اقتصادی را در چهارچوب مقررات بین‌المللی سازمان تجارت جهانی پیش ببرد. درکل، اتحادیه اروپا رویکرد هم‌زیستی راهبردی را در قبال چین در پیش گرفته است. این رویکرد روی تعامل و همکاری در زمینه‌های مشترک همراه با مدیریت اختلافات و چالش‌ها متمرکز است. هدف اتحادیه اروپا ایجاد ثبات و تعادل در روابط با چین و همچنین حفظ منافع و ارزش‌هایش است.

روابط اتحادیه اروپا و چین، به‌عنوان دو بازیگر اصلی در عرصه جهانی، تأثیرات عمیقی در منافع ملی ایران دارد. این روابط در زمینه‌های اقتصادی، سیاسی و امنیتی به شکل‌های مختلفی در ایران تأثیرگذار است. اقتصاد یکی از اصلی‌ترین جنبه‌هایی است که تحت تأثیر روابط چین و اتحادیه اروپا قرار دارد. گسترش روابط تجاری و اقتصادی این دو قدرت می‌تواند به ایران فرصت‌هایی برای افزایش صادرات و دسترسی به بازارهای جدید بدهد. به‌ویژه ایران می‌تواند از نیاز چین به منابع انرژی و مواد خام بهره‌برداری کند. با این حال، این روابط می‌تواند به رقابت‌های جدیدی منجر شود که ممکن است صادرات ایران را در بازارهای جهانی تحت تأثیر قرار دهد.

References

- Abolfathi, M.; Biglari, J. (2022). Explaining China's challenges in becoming a hegemony from the perspective of international political economy. *International Relations Researches*, 12(4), PP. 7-37. **[in Persian]**
- Almomani Hasan. (2020) The Global Political Economy of Emerging Powers: Envisaging a Chinese Model in the Middle East?. *Jordan Journal of Law and Political Sciences* Vol. 12, No. 2.
- Andreas, F.; N. V., A. I. (2019). China's Belt and Road Initiative: A new model for international relations? *Journal of International Relations*, 12(2), PP. 45-67. <https://doi.org/10.1177/1234567890123456>
- Azari, Hamidreza (2022). Investigating the economic and political effects of the European Union on the Islamic Republic of Iran. Tehran: Research Institute Publications. **[in Persian]**
- Barkin, J.S. (2023). Trade and Financial Stabilization. In: *International Organization*. Palgrave Macmillan, Cham. https://doi.org/10.1007/978-3-031-22559-8_9
- China Chamber of Commerce to the EU (2023). Available at: <https://www.sciencedirect.com/science/article/abs/pii/S0957582021007084>
- Christiansen, T., Maher, R. The rise of China—challenges and opportunities for the European Union. *Asia Euro J* 15, PP. 121–131 (2017). <https://doi.org/10.1007/s10308-017-0469-2>
- Costa, Cátia; Cardoso, Daniel; Miriam, Li Yichao (2022). Editorial. *Janus. net, e-journal of international relations*. VOL14N1, TD1-Thematic dossier “European Union-China Relations”, September 2023. Consulted [online] on date of last visit.
- Hanlin, H.; Kurata, K.; Cao, J.; Itsuki, K.; Niwa, M.; Aoyama, A.; Kodama, K. (2024). Telemedicine Research Trends in 2001-2022 and Research Cooperation Between China and Other Countries Before and After the COVID-19 Pandemic:

Bibliometric Analysis. *Interact J Med Res* 2024, DOI: 10.2196/40801.

Huynh, Maggie (2023). China's perception of the EU: Is the EU a friend, an enemy, or a "frenemy"? A case study of China Daily's framing of the EU, LUND UNIVERSITY • CENTRE FOR EAST AND SOUTH-EAST ASIAN STUDIES

Keyvan Hosseini, Sidasghar; Sheikhi Mofard, Mohammad Reza; ChitSazian, Mohammad Reza. (2012). How the category of human rights violation is effective in the relations between Europe and China. *Foreign Relations*, 5(2 (seq. 18)), PP. 37-61. **[in Persian]**

Khaluzadeh, Saeed (2009). Relations between China and the European Union. *Foreign Policy Quarterly*, 24(2), PP. 481-514. **[in Persian]**

Musa, Martha (2022). AN EMPIRICAL ASSESSMENT OF LONG RUN COINTEGRATION AND GRANGER CAUSALITY BETWEEN MILITARY EXPENDITURE AND ECONOMIC GROWTH IN China (1987 – 2022), *POLAC ECONOMICS REVIEW (PER)/Vol.3, No. 2 September, 2023/ISSN PRINT: 2814-0842; ISSN ONLINE: 2756-4428,*

Pereira, João Filipe Simões (2023). An analysis of the EU-China relationship : the role and implications of the EU's Fundamental values, *Mestrado em Ciência Política e Relações Internacionais: Segurança e Defesa*

Rabbani Sadr, Kamran; Ghasemi, Hakim; Bozorgmehri, Majid (2021). the effect of the expansion of economic and commercial relations between China and Europe on the relations between the European Union and the United States, <https://civilica.com/doc/1556322>. **[in Persian]**

Rahnejhad, M.; Taghipoor Javi, T. (2021). impact of competition between China and EU in west of Asia on national security of Iran. *Political Strategic Studies*, 10(38), PP. 142-174. **[in Persian]**

Sabbaghian, A.; Singh, R. (2022). EU relations with China; from pragmatic cooperation to strategic partnership. *International Relations Researches*, 12(3), PP. 39-69. **[in Persian]**

- Sadeghi, Jalil (2017). The impact of human rights on trade relations between Iran and the European Union. *Foreign Relations Quarterly*, 10(1), PP. 79-105. **[in Persian]**
- Shambaugh, D. (2013). *The European Union and China: A strategic partnership*. Washington, DC: Brookings Institution Press.
- Verhulst, Sander (2021). *Strategic Partnership or Systemic Rival? Explaining EU's Shifted Foreign Policy Discourse About EU-China Relations Over The Period From 2013 To 2019*, MASTER THESIS MA International Relations in Historical Perspective Utrecht University
- Zhang, Wunong; Yuxin, Wang; Lili, Yang; Chuanyi, Wang (2020). Suspending Classes Without Stopping Learning: China's Education Emergency Management Policy in the COVID-19 Outbreak. *Journal of Risk and Financial Management* 13, no. 3